

**داوید دخیا**

احتمال پیوستن به نیوکاسل

داوید دخیا، دروازه‌بان اسپانیایی که پس از جدایی از منچستر یونایتد بدون تیم مانده، شاید راهی نیوکاسل شود. نیوکاسل به دلیل مصدومیت نیک پوپ و دوری ۵-۴ ماهه این دروازه‌بان ملی پوش می‌خواهد یک دروازه‌بان جذب کند. به گزارش دلی میل، نیوکاسل در حال بررسی گزینه‌های خود از جمله انتقال آزاد داوید دخیا است. دستمزد دخیا در منچستر ۳۷۵ هزار پوند در هفته بود، ولی نیوکاسل چنین رقم بالایی به او پیشنهاد نخواهد داد.

**نیکولا بارلا:**

پیوه سخت‌ترین حریف ماست

اینتر صدرنشین در حالی مقابل ناپولی به برد آسان سه بر صفر رسید که میلان را هم ۵ بر یک شکست داد، ولی مقابل پیوه بدون گل متوقف شد. نیکولا بارلا، زنده یکی از سه گل اینتر مقابل ناپولی گفت: «پیوتوس سخت‌ترین حریف ماست، چون فضاها را می‌بندند و به خوبی دفاع می‌کنند. ناپولی بازتر بازی کرد و ما از آن به خوبی استفاده کردیم.»

**امیر عابدزاده**

اشتباه عجیب و شکست ماریتیمو

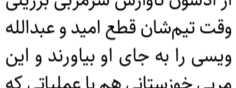
امیر عابدزاده در هفته دوازدهم لیگ دو پرتغال در ترکیب ماریتیمو مقابل تیم مدعی صعود سانتا کلارا قرار گرفت و در شرایطی که بازی با تساوی یک بر یک دنبال می‌شد، با یک اشتباه فاحش گل دوم و منجر به شکست تیمش را دریافت کرد. البته به خاطر نور مستقیم آفتاب مشخص بود عابدزاده دید مناسبی ندارد و به همین خاطر مرتکب اشتباه شد.

یادداشت

وصال روحانی

**آبادان و عملیات
تکرار نشدنی «نجات»**

اگر پیروزی غیرمنتظره هفته پیش صنعت نفت در زمین مس رفسنجان در کار نبود، این تیم برطرفدار آبادانی همچنان در ته جدول لیگ برتر فوتبال کشور قرار می‌داشت اما حتی پس از کسب این برد هم صنعت نفت هیچ موقعیت ایمنی ندارد و با اینکه به رده دوازدهم ارتقا یافته اما فاصله کم این تیم با قعر جدول به این معناست که در صورت وقوع توقیف تازه برای زردپوشان آبادانی و پیروز شدن دو سه تیم زیر دستش، تیم نخست شهر دوست‌داشتنی آبادان یک بار دیگر به رده‌های ۱۴ و ۱۵ جدول رجعت خواهد کرد و فانوس به دست خواهد شد. قرار گرفتن صنعت نفت در چنین موقعیتی در اواخر فصل پیش و محرز شدن نسبی سقوطش به دسته‌ای پایین‌تر بود که سبب شد سران این باشگاه از ادسون تاوارس سرمربی برزیلی وقت تیم‌شان قطع امید و عبدالله ویسی را به جای او بیاورند و این مربی خوزستانی هم با عملیاتی که بی‌شبهت به معجزه نبود، از سقوط صنعت نفت جلوگیری و «لیگ‌یک» شدن این تیم را منتفی کرد. بنابراین حالا که این تیم لیگ بیست و سوم را با همان مربی کیمیاگر شروع کرده اما با وجود حضور وی فقط به دو برد در ۱۰ بازی‌اش دست یافته و چهار شکست را پذیرا شده و تفاضل گل ناامیدکننده «منهای هفت» را در کارنامه‌اش دارد، همگان می‌پرسند معجزات ویسی کجا رفته و به چه سبب چشمه کیمیاگری وی خشک شده است؟! واقعیت امر این است که با وجود رسیدن ویسی به چهار برد، سه تساوی و فقط یک باخت در ۸ مسابقه واپسین صنعت نفت در لیگ سال پیش، کار او نه یک ارتقای علمی معجزه‌وار بلکه دمیدن روح خودباوری در پیکر مردان ناامید آبادانی و ایجاد حس غیرت و فداکاری در وجود آنها بود. ویسی از این طریق آبادانی‌ها را مجاب کرد که تحت هیچ شرایطی نباید لیگی را که سراوار حضور در آن هستند، ترک گویند و در این راه باید جانفشانی کنند. در آن روند با هر بردی که صنعت نفت کسب کرد، روحیه‌اش بالاتر رفت و کسب پیروزی بعدی مقدورتر شد و سرانجام جشن ایفاد لیگ در سطح وسیعی از آبادان برپا شد و ویسی به درجات یک شجاع ملی در آنجا ارتقا یافت. با گذشت «یک‌سوم» از مدت زمان لیگ امسال، نه‌تأثر آن شجاعت در کارهای ویسی قابل رؤیت است و نه‌تیم او با همان داستان تکراری احیا می‌شود دست به جانفشانی مجدد می‌زند. بنابراین یا صنعت نفت به لحاظ مالی و تشکیلاتی خودش را به سطح یک تیم لیگ برتری می‌رساند و در نیم فصل خریدهای درشت خواهد کرد یا بدون قدرت تکرار نمایش معجزه‌وار فصل پیش‌اش یک بار دیگر مانند اوایل دهه ۱۳۹۰ به یک دسته پایین‌تر سقوط خواهد کرد.



قلعه نویی در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ هم دستیاران زیادی به مالزی برده بود که شرح وظایف مشخصی نداشتند. او در بازگشت به تیم ملی هم رویه مشابهی در پیش گرفت و به نظر می‌رسد حضور پر تعداد مربیان در دسترسز شده است. گفته می‌شود که آنتونیو مانیکنو و سعید الهویی در تمرینات حضور پررنگی دارند و نقش سایر مربیان کمتر است. استعفای خداداد را هم می‌توان اولین پیامد این وضعیت دانست



است. پیشکسوت فوتبال ایران بعد از جدال با ازبکستان هم موضعی متفاوت نسبت به سرمربی و دیگر اعضای کادر فنی داشت؛ به طوری که خداداد عزیز با گلایه از نمایش فنی شاگردان امیر قلعه‌نویی که منجر به تساوی ۲-۲ برابر ازبکستان شد، عملکرد خوب تیم را منوط به حضور سامان قدوس در ترکیب اصلی دانست.

قلعه‌نویی در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ هم دستیاران زیادی به مالزی برده بود که شرح وظایف مشخصی نداشتند. او در بازگشت به تیم ملی هم رویه مشابهی در پیش گرفت و به نظر می‌رسد حضور پر تعداد مربیان در دسترسز شده است. گفته می‌شود که آنتونیو مانیکنو و سعید الهویی در تمرینات حضور پررنگی دارند و نقش سایر مربیان کمتر است. استعفای خداداد را هم می‌توان اولین پیامد این وضعیت دانست، وگرنه او چرا باید تنها سه ماه بعد از شروع کارش و در آستانه جام ملت‌ها به بهانه خستگی خواهان جدایی باشد؟

گوشه بایستد و مداخله نکند. او در بخشی از مصاحبه تازه‌اش گفت: «برخی که آدم‌های نرمالی نیستند توهماتی ایجاد می‌کنند و می‌گویند «چرا خداداد به عنوان مشاور لخت شده و داخل زمین رفته است؟» آنها انتظار دارند با کت و شلوار به داخل زمین بروم! کار من فوتبال است. من مشاور فنی سرمربی تیم ملی هستم و چه ایرادی دارد که مشاور فنی لباسش را در بیاورد؟ می‌توانید با یک تحقیق در اینترنت ببینید چقدر عکس با لباس ورزشی دارم، چرا نباید به وسط زمین بروم؟ من باید از محمد محبی ایراد بگیرم یا از سایر بازیکنان به‌خصوص اگر در خط حمله نکته‌ای دیدم، انتقال بدهم. اگر این کار را نکنم پس به چه دردی می‌خورم؟» با این حال شنیده می‌شود که قلعه‌نویی از دخالت‌های عزیز راضی نبوده است. سایت «فوتبال ۳۶۰» نوشت: «گفته می‌شود که دخالت‌های گاه و بی‌گاه عزیز در تمرینات تیم، چندان به مذاق امیر قلعه‌نویی خوش نیامده

بود اما الان شرایط خوبی ندارم.»

البته خداداد این موضوع را رد کرد و گفت: «از روز اول که به تیم ملی آمدم، اصلاً بحث قرارداد مدنظر من نبود. امیر قلعه‌نویی به من زنگ زد و خواست در کنار تیم باشم. همین الان نیز اگر یا نظر من مخالفت کند، باید با هم صحبت کنیم زیرا احترام بسیار زیادی برای او قائل هستم اما ظاهر برخی پیشکسوتان و دوستان خود خوششان نمی‌آید من در تیم ملی باشم. برخی از قلعه‌نویی خوش‌شان نمی‌آید و حتی به من گفتند چرا با او کار کردی اما من تصمیم گرفتم به جایی بروم که حالم در آن خوب است. به همین دلیل پیشنهاد سرمربی تیم ملی را قبول کردم. از روزی هم که کارم را شروع کردم، حالم در تیم خیلی خوب بود اما الان شرایط خوبی ندارم.»

افاضلی به عنوان مشاوران فنی تیم ملی انتخاب شدند. در همان زمان این سؤال مطرح بود که این دو قرار است چه نقشی در تیم ملی داشته باشند. با شروع تمرینات مشاهده شد که آنها با لباس ورزشی در زمین چمن حضور دارند، در حالی که آنها در کادر فنی تیم ملی نبودند.

بدون قرارداد

خداداد پیش از آن در مصاحبه‌ای از تصمیمات قلعه‌نویی انتقاد کرد و گفته می‌شد که سرمربی تیم ملی با انتخاب او به عنوان مشاور فنی خواسته که یکی از صداهای منتقد را با خودش همراه کند.

یکی از احتمالات درباره دلیل جدایی عزیز از این است که فدراسیون فوتبال هنوز قراردادی امضا نکرده است. هیچ کدام از دستیاران و مشاوران قلعه‌نویی هنوز قراردادی ندارند و در این مدت دستمزدی نگرفته‌اند. تنها دریافتی آنها پاداش‌هایی است که بعد از بردها به اعضای تیم ملی داده شده است.

عزیزی با وجود استعفا از سرمربی تیم ملی حمایت کرد!**کی‌روش باید قهرمان آسیا می‌شد، نه قلعه‌نویی**

فدراسیون فوتبال و امیر قلعه‌نویی نیست، هجمه وارد کردن چیز خوبی نیست، این حرف‌ها را به‌خاطر خودم که عضوی از کادر فنی تیم ملی هستم، نمی‌زنم. شاید از اردوی بعدی کنار تیم ملی نباشم، ولی باید واقعیت‌ها را بگویم. اگر انتقادی وجود دارد باید بگویم، اما اینکه هجمه به تیم ملی وارد شود که قهرمان جام ملت‌ها شود، کار درستی نیست، در فوتبال چیزی به‌اسم

«باید» وجود ندارد... او در واکنش به گروهی که بازیکنان فعلی را نسل طلایی می‌دانند، تأکید دارد که تیم ملی در دو دوره قبلی جام ملت‌های آسیا با هدایت کی‌روش شرایط بهتری برای قهرمانی داشت. تیم ملی در جام ملت‌های ۲۰۱۵ در یک چهارم نهایی مغلوب عراق شد و در جام ملت‌های ۲۰۱۹ هم در نیمه نهایی حریف ژاپن نشد. عزیز گفت: «اگر قرار به توقع

قهرمانی بود بهترین زمان برای دوره کی‌روش بود، ما به‌هردلیلی به فینال جام ملت‌های آسیا نرسیدیم، نسلی که درباره آن صحبت می‌کنند در زمان کی‌روش بودند و تغییر آنچنانی ایجاد نشده است، حالا چطور الان نسل طلایی شده است؟ زمان کی‌روش بازیکنانی مثل اشکان دزگا، مسعود شجاعی و... نیز بودند. باز هم می‌گویم این حرف‌ها را به‌خاطر اینکه عضوی از کادر فنی تیم ملی هستم، نمی‌زنم و شاید از اردوی بعدی تیم ملی نباشم، امیدوارم بتوانم قلعه‌نویی را قانع کنم که از اردوی بعدی کنار تیم ملی حضور نداشته باشم.» عزیز ادامه داد: «برخی از این کارشناسان دقیقاً نگران چه چیزی هستند؟ آخرین قهرمانی تیم ملی برای ۵۰ سال پیش بوده است و الآن با توجه به پیشرفت تیم‌هایی مثل ژاپن چطور باید توقع قهرمانی داشته باشیم؟ خیلی منطقی نیست.»

مصاحبه

از ویسی هم کاری بیش از این بر نمی‌آید و اگر فصل گذشته عملیات نجات او حالتی افسانه‌ای یافت، این بار ممکن است استمرار ضعف‌های تشکیلاتی صنعت نفت باعث برکناری او تا قبل از پایان فصل شود. روزگار نامیدن صنعت نفت یا لقب «آبادان برزیل» بدون تجهیز لازم و کامل آن و رساندنش به یک سطح حرفه‌ای و قالب استاندارد و انتظار توفیق از آن داشتن، سببی شده و استمرار روند کنونی در این تیم که نه پرسنل انسانی کامل دارد و نه ساختاری محکم که قادر به پشتیبانی استراتژیک از تیم باشد، فقط ناکامی‌هایی تازه و بیشتر را به ارمغان خواهد آورد و قضایی به کلی متفاوت با عملیات معجزه‌وار «نجات» فصل پیش را برای آبادانی رقم خواهد زد. این حقیقت صریح و تلخی است که شرایط لیگ بیست و سوم آشکارا و با صدایی رسا به نفت آبادان گوشزد می‌کند.